



تفسیر آیات مشکل

درس ۷

رابطه رفتار عادلانه با یتیمان با مشروعیت تعدد زوجات

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد



مقدمه

از مسائل مهمی که در قرآن بر آن تأکید شده، رعایت حقوق یتیمان است. در آیات گوناگونی قرآن انسان را از خوردن اموال یتیم نهی می‌کند و به عدالت درباره آن‌ها سفارش می‌نماید، ولی در سوره نساء در ادامه آیات مربوط به یتیمان، جواز چندهمسری، به ترس از بدرفتاری با یتیمان ربط داده شده است، که در این درس به ارتباط بین این دو موضوع و مشروعیت تعدد زوجات از دیدگاه آیات قرآن می‌پردازیم.

محتوای آموزشی

«وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا. وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.»

(نساء، ۲-۳)

و اموال یتیمان را به خودشان بدهید و پلید را با پاکیزه عوض نکنید و اموال آن‌ها را با اموال خود مخورید؛ زیرا که آن گناه بزرگی است. و اگر بیم آن را داشتید که درباره یتیمان عدالت را رعایت نکنید، پس از زنانی که برای شما پسندیده است، دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهار تا چهارتا به همسری بگیرید و یا زنی را که مالک آن هستید، بگیرید. این کار نزدیک‌تر به آن است که ستم نکنید.

لغت و اعراب

۱. «لا تتبدلوا» عوض نکنید، یکی را جانشین دیگری نکنید. تبدل و استبدال به یک معناست.
۲. «الیتامی» جمع یتیم به معنای کودکی که پدر خود را از دست داده است و چون به حد بلوغ رسید، دیگر به او یتیم گفته نمی‌شود و این که در این آیه به دادن اموال یتیمان به خودشان فرمان داده شده، منظور یتیمانی است که بالغ شده‌اند و اطلاق یتیم بر آن‌ها از باب مجاز است. «یتامی» مانند «ایامی» جمع است که در آن قلب و تبدیل صورت گرفته، چون اصل آن‌ها «ایام» و «یتائم» بوده و دو حرف آخرشان جابه‌جا شده است.
۳. منظور از «اکل» در «لا تأکلوا» تنها خوردن نیست، بلکه شامل هر نوع تصرف است که شامل خرید لباس، خانه و مانند آن‌ها هم می‌شود و این نیز از باب مجاز است.
۴. «الی اموالکم»، الی در این جا به معنای «مع» است. یعنی همراه با اموال خودتان.
۵. «حوب» گناه، معصیت، کار بد.



۶. «فانکحوا» امر برای رفع حظر است و به وجوب یا استحباب دلالت نمی‌کند.
۷. «ماطاب»، ما در این جا مصدر است و مابعد خود را در حکم مصدر می‌کند و البته می‌توان آن را موصول هم گرفت و استعمال ما در ذوی العقول اشکالی ندارد، همان‌گونه که استعمال «من» در غیر ذوی العقول دیده شده است.
۸. «مثنی»، «ثلاث» و «رباع» تکرار در عدد یعنی دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا. وزن «مفعّل» و «فُعّال» در اعداد برای تکرار آن عدد و از باب عدول است، مثنی از اثنان اثنان و ثلاث از ثلاثه ثلاثه و رباع از اربعه اربعه عدول کرده است و به خاطر همین عدول و وصفیت، این کلمات غیر منصرف هستند. ضمناً وزن «فُعّال» در اعداد فقط تا عدد چهار استعمال شده و از اعداد بالاتر، این وزن نیامده است.
۹. «ملک یتیم» تملک شخص بر عبد و امه. سابقاً که بردگی وجود داشت، انسان می‌توانست مالک عبد یا امه خود باشد. امه یا همان کنیز اصطلاحی مانند زوجه صاحبش بود و هم‌بستر شدن با او جایز بود.
۱۰. «تعدلوا» در این جا به معنای جور و ستم و عدول از حق است.

تفسیر

رفتار با یتیمان

در این آیات، چندین حکم از احکام فقهی بیان می‌شود. نخستین حکم مربوط به یتیمان است و دستور می‌دهد که اموال یتیمان را به آن‌ها بدهید. کسانی که عهده‌دار نگه‌داری اموال یتیمان هستند، باید به درستی و امانت، آن را حفظ کنند و چون یتیم بالغ شد به او تحویل دهند. ممکن است بعضی از افراد در اثر وسوسه شیطان و به سبب مال دوستی و دنیاپرستی، در اموال یتیمان خیانت کنند، یا از آن بخورند و یا جنس خوب را که مال یتیم است با جنس بد که مال خودشان است، عوض کنند. این است خداوند آن‌ها را موعظه می‌کند و می‌فرماید: جنس بد را با جنس خوب عوض نکنید و اموال یتیمان را همراه با اموال خودتان نخورید، که این گناه بزرگی است. طبق این آیه باید در حساب و کتاب اموال یتیمان دقت کرد، تا با اموال خود شخص مخلوط نشود. گاهی بعضی از اشخاص دختران یتیم را می‌دیدند و به جهت ترحم به حال آن‌ها و یا به جهت مال و جمال آن‌ها، با آن‌ها ازدواج می‌کردند و اموال این یتیمان در اختیار آنان قرار می‌گرفت و نمی‌توانستند آن‌چنان که باید حقوق آن‌ها را رعایت کنند و گاهی درباره آن‌ها ظلم می‌شد و آن‌ها حامی و دفاع کننده نداشتند. آیه شریفه به این گروه از مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر شما نمی‌توانید درباره این دختران یتیم، حق و عدالت را رعایت نمایید، با آن‌ها ازدواج نکنید، بلکه با زن‌های دیگر ازدواج کنید و در یک زمان دو یا سه یا چهار زن داشته باشید. این دستور الهی سبب شد که بعضی از متدینین درباره یتیمان سخت‌گیری کنند و برای این که مبادا مال آن‌ها قاطی



مال خودشان شود، غذا و زندگی آن‌ها را جدا کردند و از دست زدن به غذای آن‌ها پرهیز نمودند و این کار از نظر عاطفی به ضرر یتیمان بود و یتیمان احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کردند. این بود که آیه دیگری نازل شد و مردم را به خوردن متعارف از مال یتیمان و انس با آنان دعوت کرد:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ» (بقره/۲۲۰)

از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح حال آن‌ها بهتر است و اگر با آن‌ها معاشرت کنید، پس برادران شما هستند.

چگونه جواز چندهمسری، به ترس از بدرفتاری با یتیمان ربط داده شده است؟

در آیه شریفه بیان شده که، اگر بیم آن را داشتید که درباره یتیمان عدالت را رعایت نکنید، می‌توانید تا چهارتا همسر برگزینید.

باید دید که میان این دو موضوع چه رابطه‌ای وجود دارد؟ بعضی‌ها که این رابطه برایشان روشن نبوده، مدعی تحریف در این آیه شده‌اند و گفته‌اند: میان دو جمله مطالبی حذف شده است. از ابی‌بن کعب و عایشه نقل کرده‌اند که سوره احزاب از نظر طول به اندازه سوره بقره بود و آیه رجم هم در آن بود.^۱

در حالی که باتوجه به رفتاری که در عصر جاهلی با یتیمان می‌شد، ارتباط دو موضوع یاد شده، روشن می‌شود. در عصر جاهلی قبائل عرب گرفتار جنگ‌ها و کشتارهای زیادی بودند و در اثر آن، کودکان زیادی یتیم می‌شدند و روی دست جامعه می‌ماندند و سران قبائل و افراد سرشناس، آن‌ها را زیر تحت تکفل خود قرار می‌دادند و اموال ارثی آنان را هم در اختیار می‌گرفتند و چون دختران یتیم در خانه آن‌ها بزرگ می‌شدند، معمولاً با آن‌ها ازدواج می‌کردند، تا هم از نظر جنسی اطفای شهوت کنند و هم اموال آن‌ها را هم چنان در اختیار داشته باشند.

با ظهور اسلام اوضاع فرق کرد و قرآن کریم مؤمنان را از خوردن اموال یتیمان به شدت برحذر داشت و آن را گناهی بزرگ خواند. این دستورات سبب نگرانی شدید برخی از مؤمنانی که سرپرستی دختران یتیمی را برعهده داشتند، گردید تا جایی که گاهی آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون می‌کردند، چون می‌ترسیدند با آنان ازدواج کنند و اموال آن‌ها قاطی اموالشان شود و در نتیجه نتوانند عدالت را رعایت نمایند.

آیه مورد بحث، به چنین افرادی توصیه می‌کند، که اگر می‌ترسند که نتوانند درباره یتیمان عدالت را رعایت کنند، با آن‌ها ازدواج نکنند، بلکه با زن‌های دیگر ازدواج کنند تا آلوده بی‌عدالتی در اموال یتیمان یا در دادن مهریه به آنان نشوند. شاید آیه زیر اشاره به حکمی باشد که در آیه مورد بحث بیان شده است:

«وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَىٰ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ.» (نساء/۱۲۷)

۱. متقی هندی، کنز العمال، ص ۲۰۵۶۷؛ شوکانی، فتح‌القدیر، ج ۱، ص ۱۲۶ و قرطبی، تفسیر، ج ۱۴، ص ۱۱۳.



و آنچه در قرآن در مورد زنان یتیمی که حقّ مقررّ آنان را به ایشان نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید، بر شما تلاوت می‌شود.

زمخشری در ربط میان این دو جمله، اظهار داشته که اعراب جاهلی وقتی سرپرستی یتیمی را برعهده می‌گرفتند، برپایه یک سنت اجتماعی، بدرفتاری با آنان را گناهی بزرگ می‌دانستند و این در حالی بود که از ارتکاب گناهان دیگر ابائی نداشتند. حال به آن‌ها گفته می‌شود، که اگر از بدرفتاری با یتیمان می‌ترسید، از ارتکاب زنا هم بترسید و به نکاح و ازدواج رو آورید.^۱

وجهی که زمخشری گفته بعید به نظر می‌رسد، چون وجود چنین سنتی در میان اعراب جاهلی ثابت نشده، بلکه سفارش مکرر و تأکید فراوان قرآن بر رفتار عادلانه با یتیمان، می‌تواند قرینه خوبی بر رایج بودن بدرفتاری با آنان در عصر جاهلی باشد.

اسلام و چندهمسر گزینی، به شرط رفتار عادلانه با همسران

دیدیم که در آیه شریفه بر جواز ازدواج با چند همسر حکم داده شد. اکنون این موضوع را مورد بحث قرار می‌دهیم. پیش از ورود به موضوع می‌گوییم: در میان بسیاری از اقوام و ملل جهان از دیرباز تاکنون، این سنت وجود داشته است، که مرد می‌تواند بیش از یک همسر داشته باشد و عملاً بعضی از مردان هم‌زمان چند همسر داشتند. به خصوص در میان اعراب عصر جاهلی این یک سنت دیرپا بود و بسیاری از مردها چندین همسر داشتند، که گاه تعداد آن‌ها به ده تا و بیش‌تر می‌رسید و البته این سنت مخصوص عرب‌ها نبود و بسیاری از ملل دیگر نیز به آن عمل می‌کردند، از جمله در میان ایرانیان قدیم هم این سنت وجود داشته است. به گفته کریستن‌سن: اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران، به‌شمار می‌رفت.^۲ در میان یهود نیز قانون تعدد زوجات رسمیت دارد و مورد عمل است.

جالب این‌که در میان اقوام و مللی که تعدد زوجات را به صورت رسمی و قانونی قبول ندارند، عملاً بسیاری از مردها با زن‌های متعددی رابطه جنسی دارند و فحشا و روسپی‌گری جای قانون تعدد زوجات را گرفته است. نمونه آن جوامع اروپایی و امریکایی است، که وضع اسفبار فحشا و روابط نامشروع جنسی در میان آن‌ها برای همه روشن است. عجیب این‌که آن‌ها ازدواج قانونی با چند زن را، غیر انسانی و ظلم در حق زنان قلمداد می‌کنند، ولی فحشا و زنا و روابط نامشروع را که امری شایع میان آن‌هاست، نشانه‌ای از آزادی می‌دانند.

اما آیه در شرایطی ویژه و در جهت درمان بحرانی اجتماع نازل شده که اسلام به‌عنوان یک حرکت مداوم با آن

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۱، ص ۴۶۷.

۲. کریستن‌سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۳۴۶.



روبه‌رو بود، چراکه اسلام، دین مبارزه و رویارویی با دشمنان انسانیت در گذر عصرها و نسل‌ها می‌باشد. اسلام از نخستین روز خود نهضتی در جهت دفاع از حریم انسان و در هم شکستن شکوه دشمنان سرسخت او بود. اسلام در محیطی ظهور کرد که تعدد زوجات آن‌هم به هر تعدادی که می‌خواستند، قانونی بود و در جامعه به آن عمل می‌شد. اسلام به‌خاطر ضرورت‌ها و با رعایت قوانین طبیعی حاکم بر مرد و زن، با تعدد زوجات مخالفت نکرد و آن را به رسمیت شناخت، ولی آن را از دو جهت محدود کرد؛ یکی از لحاظ تعداد و دیگر از لحاظ رعایت عدالت میان همسران، که بعداً توضیح داده خواهد شد.

باتوجه به مطالب بالا، روشن است که اسلام مبتکر تعدد زوجات نیست، بلکه آن را محدود هم کرده و این در حالی است که به‌گفته ویل دورانت: علمای دینی در قرون وسطی چنین تصور می‌کردند، که تعدد زوجات از ابتکارات پیغمبر اسلام است.^۱

تعدد زوجات یک ضرورت طبیعی و اجتماعی

باتوجه به نیازهای طبیعی و اجتماعی، مشروعیت تعدد زوجات در جامعه یک ضرورت است و دلیل روشن آن گرایش بسیاری از اجتماعات به‌سوی این مسأله می‌باشد. هر چند که به‌طور طبیعی نوزادهای دختر و پسر تقریباً به یک تعداد به دنیا می‌آیند، ولی باید به چند موضوع توجه داشت:

اولاً سن ازدواج در دختران به‌طور طبیعی حدود پنج سال زودتر از پسران است و زن‌ها زودتر از مردها بالغ می‌شوند و آمادگی ازدواج پیدا می‌کنند و این سبب می‌شود که تعداد زنان آماده به ازدواج از تعداد مردان آماده به ازدواج بیشتر باشد.

ثانیاً مردها همواره در معرض تلف شدن هستند و عواملی مانند جنگ و کارهای سنگین و خطرناک باعث پیدایش تلفاتی در میان مردان می‌شود، ولی زن‌ها از این عوامل تلف‌کننده دور هستند؛ لذا همیشه پس از وقوع جنگ‌های بزرگ، مشکل انبوهی زن، چه زنان بیوه و چه زنان آماده ازدواج و کمبود مرد به‌وضوح در جامعه دیده می‌شود.

ثالثاً، برپایه تحقیق دانشمندان و به‌طوری که مشاهده می‌کنیم، زن‌ها نسبت به مردها به‌طور طبیعی عمری طولانی دارند و مقاومت آن‌ها در برابر بعضی از امراض از مردها بیشتر است و این سبب می‌شود که تعداد زن‌ها نسبت به مردها بیشتر باشد.

رابعاً، زن‌ها در ماه چندین روز دوران قاعدگی دارند و در این روزها آمادگی آمیزش جنسی ندارند، ولی مردها همیشه از این آمادگی برخوردارند.

خامساً، برخلاف آنچه معروف شده، شهوت و میل جنسی مرد بیش از زن است و تنوع طلبی یکی از خصیصه‌های

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۶۱.

طبیعی مرد می‌باشد و به گفته بعضی از دانشمندان اجتماعی، مرد ذاتاً طبیعت چندهمسری دارد و فقط نیرومندترین قیود اخلاقی، میزان مناسبی از فقر و کار سخت و نظارت دایمی زوجه، می‌تواند تک‌همسری را به او تحمیل کند.^۱ یکی از عوامل شیوع فحشا در غرب همین تحریم تعدد زوجات است، این مطلبی است که بعضی از دانشمندان اروپایی به آن اعتراف کرده‌اند. جان دیون‌پورت انگلیسی می‌گوید: در میان ملل مسیحی چیزی قوی‌تر از تحریم تعدد زوجات باعث شیوع فحشا نشده است.^۲

سادساً، در بعضی از جوامع و قبایل، گاهی ضرورت ایجاب می‌کند که تولید نسل سرعت بیشتری بگیرد و کثرت اولاد و افزایش نیروی انسانی و کار مطلوب می‌شود.

بنابراین در شرایط کلی در برابر خود یکی از سه گزینه را پیش‌رو داریم:

۱- هر مردی که در سن ازدواج است با یک زن ازدواج کند، و در برابر -برحسب اختلال در تعادل آماری- یک یا چند زن تا پایان عمر بدون ازدواج به‌سر برند.

۲- هر مرد آماده ازدواج، با یک زن ازدواج مشروع و پاکیزه داشته باشد و در کنار آن با یک یا چند زن، که شانس ازدواج نداشته‌اند روابط دوستانه یا نامشروع داشته باشد و بدین‌سان همه زنان دست‌کم از داشتن دوست و آشنا هر چند از راه حرام و پنهانی برخوردار باشند.

۳- مردان شایسته -همه یا برخی- بیش‌تر از یک همسر داشته باشند، که هر یک از زنان مردی را در روشنای روز به‌عنوان همسر خود ببیند، نه به‌عنوان دوست و رفیق در راه حرام و به‌صورت مخفیانه.

گزینه اول که با فطرت و طبیعت زن و احساسات زنان وی نمی‌سازد، زیرا اشتغال و کار، همه نیازهای زندگی زن را برآورده نمی‌سازد، مسأله از آن‌چه این گزافه‌گویان سطحی‌نگر می‌گویند عمیق‌تر است. چنان‌که مرد نیز با درآمد و کار تأمین نمی‌شود و در پی تشکیل خانواده است، زن نیز از سنخ وجودی اوست.

گزینه دوم با روی‌کرد درست و با اصول و مبانی جامعه پاکیزه‌دامن مسلمان و نیز با کرامت انسانی زن ناسازگار است.

اما گزینه سوم همان است که اسلام در شرایطی عادلانه و در چارچوبی محدود برگزیده و این راه درمان سودمند مشکل یاد شده است؛ اگر صاحب‌دلی حق نیوش با چشم حقیقت‌بین بنگرد.

باتوجه به مطالب بالا پرواضح است، که مشروعیت تعدد زوجات، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و جامعه باید آن را بپذیرد. گاهی گفته می‌شود که این قانون نوعی توهین به زنان و تجاوز به حقوق آنان می‌باشد. پاسخ این

۱. ویل دورانت، *لذات فلسفه*، ص ۹۱.

۲. *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه فارسی به قلم سید غلامرضا سعیدی، ص ۳۴.

است چنین کارهایی یک ارزش نسبی دارند و اگر در جامعه‌ای این کار مشروعیت داشته باشد و به آن عمل شود و زنان با آن خو بگیرند، دیگر آن را توهین بر خود قلمداد نمی‌کنند و لذا در جامعه جاهلی و حتی در اوایل اسلام و حتی در بعضی از کشورهای عربی امروز، داشتن چند همسر برای مرد یک امر عادی و معمولی بوده و هست و زنان هرگز این موضوع را توهین به خود تلقی نمی‌کنند، ولی در جوامع اروپایی که این رسم وجود ندارد، آن را توهین بزرگی برای خود می‌دانند و این گونه موارد، نوعی اخلاق نسبی است و بستگی به قراردادهای اجتماعی و آداب و سنن جامعه دارد.

در پایان این بحث، توجه شما را به روایتی از امام رضا (علیه السلام) جلب می‌کنیم، ایشان فرمودند: علت این که مرد با چهار زن تزویج می‌کند، ولی زن حق ندارد با بیش از یک نفر ازدواج نماید این است که، اگر مرد چهار زن هم داشته باشد، اگر فرزندی بیاورند از اوست، ولی اگر زن دو شوهر یا بیش تر داشته باشد، معلوم نمی‌شود که این فرزند از کیست، چون همه در آن مشترک هستند و بدین گونه نسب‌ها و مواریث تباه می‌شود و فرزند شناخته نمی‌شود.^۱

آیا مرد می‌تواند میان همسران با عدالت رفتار کند؟

دیدیم که در آیه شریفه، رعایت عدالت میان همسران، الزامی معرفی شده است. توجه کنیم که رعایت عدالت میان همسران که در این آیه خواسته شده، به امور ظاهری مانند غذا و مسکن و این که هر چهار شب یک شب را به نوبت با یکی از آنها به سر برد، مربوط می‌شود و منظور از آن مساوات در محبت قلبی نمی‌باشد، چون چنین کاری خارج از اراده اوست؛ لذا در آیه دیگری می‌فرماید:

«وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ» (نساء/ ۱۲۹)

و هرگز نمی‌توانید میان زن‌ها عدالت کنید، هر چند خواستار آن باشید، پس یک‌سره از یکی روی برمگردانید.

عدالت در این آیه شریفه مربوط به میل باطنی و دل‌بستگی مردان به زنان و در آیه مورد بحث، راجع به حقوق زنان است و میان دو آیه هیچ گونه تنافی وجود ندارد. در عین حال از مردان خواسته شده که میل قلبی خود را نیز کنترل کنند و چنین نباشد که تمام توجه آن‌ها به یکی از همسران باشد، «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ».

از نظر قرآن، مرد حق ندارد از لحاظ رعایت شئون همسراری، میان زنان تفاوت و تبعیضی قایل شود، که اگر چنین کند باید فقط یک همسر داشته باشد و حق گرفتن بیش از یک همسر را ندارد.



چکیده

این آیات با سفارش به رعایت حقوق و رفتار عادلانه در مورد یتیمان به مسلمانان هشدار می‌دهد، که اگر شما نمی‌توانید درباره دختران یتیم، حق و عدالت را رعایت نمایید، با آنها ازدواج نکنید، بلکه با زن‌های دیگر ازدواج کنید و در یک زمان دو یا سه یا چهار زن داشته باشید. دلایل حکم به مشروعیت تعدد زوجات عبارت است از:

۱- این حکم محدود به اسلام نمی‌شود و قبل از اسلام در میان بسیاری از اقوام و ملل جهان رواج داشته است.
۲- اسلام آن را از دو جهت محدود کرده، که یکی از لحاظ تعداد و دیگر از لحاظ رعایت عدالت میان همسران است.

۳- مردها همواره در معرض تلف شدن هستند و عواملی مانند جنگ و کارهای سنگین و خطرناک، باعث پیدایش تلفاتی در میان مردان می‌شود و زن‌ها نسبت به مردها به‌طور طبیعی عمری طولانی دارند.

۴- تنوع طلبی یکی از خصیصه‌های طبیعی مرد است و مرد ذاتاً طبیعت چندهمسری دارد و فقط نیرومندترین قیود اخلاقی، میزان مناسبی از فقر و کار سخت و نظارت دائمی زوجه، می‌تواند تک‌همسری را به او تحمیل کند.

۵- رعایت عدالت میان همسران که در این آیه مورد نظر آمده، به امور ظاهری مانند غذا و مسکن و این‌که هر چهار شب یک شب را به نوبت با یکی از آنها به‌سر برد، مربوط می‌شود و منظور از آن مساوات در محبت قلبی نمی‌باشد، چون چنین کاری خارج از اراده اوست است.